

## رابطه سبک های فرزندپروری، اهمالکاری با مؤلفه های سلامت روان در دانش

### آموزان دختر پایه نهم شهرستان شادگان

لیلا خمیسی<sup>۱</sup> و کاظم محسن زاده خانفاره<sup>۲</sup>

۱ کارشناسی ارشد روان شناسی، مشاور مدرسه شهرستان شادگان

۲ کارشناسی برق، برق منطقه ای خوزستان

#### چکیده

هدف از این پژوهش بررسی رابطه بین سبک های فرزند پروری، اهمالکاری با مؤلفه های سلامت روان در دانش آموزان دختر پایه نهم شهرستان شادگان که در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ مشغول به تحصیل بوده اند. نمونه این پژوهش شامل ۱۵۰ نفر بود که به صورت نمونه گیری خوشه ای انتخاب شدند، نوع پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بوده، برای گردآوری داده ها از پرسشنامه سبک فرزند پروری با مریند، مقیاس اهمال کاری تاکمن و پرسشنامه سلامت عمومی گلدبرگ استفاده شد که همگی از اعتبار و پایایی قابل قبولی برخوردارند. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها در این تحقیق از روش های آماری توصیفی، ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون استفاده شد. نتایج نشان داد که بین مؤلفه های سبک فرزند پروری (سهیل گیر و اقتدار منطقی) با سلامت روان دانش آموزان رابطه مستقیم معنی دار مشاهده شد، همچنین بین مؤلفه های سلامت روان (علائم جسمانی و کارکرد اجتماعی) با سبک فرزند پروری رابطه مستقیم معنی دار مشاهده گردید ( $p < 0.05$ ). از سوی دیگر نتایج نشان داد که مؤلفه های سبک فرزند پروری (سهیل گیر و مقتدر) توان پیش بینی سلامت روان دانش آموزان دختر را دارند و ۱۷/۰ واریانس سلامت روان را تبیین می کنند. همچنین مؤلفه های سلامت روان (علائم جسمانی و کارکرد اجتماعی) توان پیش بینی سبک فرزند پروری دانش آموزان دختر را دارند و ۱۰/۰ واریانس سبک فرزند پروری را تبیین می کند. بنابراین می توان نتیجه گیری کرد، با افزایش سبک های فرزند پروری با مؤلفه های سهیل گیر و مقتدر می توان سلامت روان دانش آموزان دختر را کاهش داد و در زمینه علائم جسمانی و اختلال کارکرد اجتماعی می توان سبک های فرزند پروری آن ها را افزایش داد. همچنین اهمالکاری تحصیلی، مؤلفه های سبک فرزند پروری (استبدادی) در پیش بینی سلامت روان و مؤلفه های (اضطراب و خواب، افسردگی) در پیش بینی سبک فرزند پروری دانش آموزان دختر معنی دار نبود.

واژه های کلیدی: سبک فرزند پروری، اهمالکاری، سلامت روان